

دین پژوهی

پدرسی رویکرد هایی در زمینه دین پژوهی

تالیف: دکتر هژیر مهري

گردآوری و تنظيم: بهشته صفرپور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین پژوهی

بررسی رویکردهایی در زمینه دین پژوهی

تالیف:

دکتر هژیر مهری

گردآوری و تنظیم:

بهشته صفرپور



انتشارات موجک



سرشناسه	: مهري علي آبادي، هژير، ۱۳۶۵.
عنوان و نام پديدآور	: دين پژوهي: بررسي رويکردهايي در زمينه دين پژوهي / تاليف هژير مهري علي آبادي / گردآوري و تنظيم بهشته صفرپور ديوججين.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات موجک، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهري	: ۱۲۱ ص؛ وزيري.
شابک	: ۹-۷۰-۷۰-۸۳۰۷-۶۰۰-۹۷۸-۲۰۰۰۰۰ ريال.
وضعيت فهرست نويسي	: فييا
يادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دين پژوهي
موضوع	: Religion – Research
شناسه افزوده	: صفرپور ديوججين، بهشته، ۱۳۵۷-، گردآورنده
رده بندي کنگره	: ۱۳۹۵ د ۹ م ۹ / ۴۸ BL
رده بندي ديويي	: ۲۰۰/۷
شماره کتابشناسي ملي	: ۴۲۸۳۱۱۵

انتشارات موجک

مدیر مسئول: دکتر مجید رستمی بشمینی

تلفن مرکز پخش: ۰۹۰۱۷۶۷۲۵۰۲ - ۰۲۱۶۶۱۲۷۵۹۳

Email: mojakpublication@yahoo.com

Web: www.mojak.ir



عنوان: دين پژوهي: بررسي رويکردهايي در زمينه دين پژوهي

تاليف: دکتر هژير مهري علي آبادي

گردآوري و تنظيم: بهشته صفرپور ديوججين

طراحي جلد: سیده زهرا روشنايي

مشخصات ظاهري: ۱۲۱ صفحه، قطع وزيري

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد - قيمت: ۲۰۰۰۰۰ ريال

شابک: ۹-۷۰-۷۰-۸۳۰۷-۶۰۰-۹۷۸

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۷.....	فصل اول: تحلیل و نقد رویکرد جامعه شناسانه کارل مارکس در دین شناسی
۸.....	۱-۱ مقدمه
۱۰.....	۲-۱ دین شناسی
۱۱.....	۱-۲-۱ دین شناسی و الاهیات
۱۲.....	۲-۲-۱ روش شناسی مطالعات ادیان
۱۴.....	۳-۱ جامعه شناسی دین
۱۴.....	۱-۳-۱ جامعه شناسی دین و جامعه شناسی دینی
۱۵.....	۲-۳-۱ تاثیرات متقابل دین و جامعه
۱۵.....	۴-۱ خاستگاه دینی نظریه مارکس
۲۰.....	۵-۱ رهیافت دین شناختی مارکس
۲۰.....	۱-۵-۱ دین به مثابه از خود بیگانگی
۲۳.....	۲-۵-۱ دین به مثابه ایدئولوژی
۲۶.....	۶-۱ تحلیل و بررسی رهیافت های دین شناختی مارکس
۳۰.....	۷-۱ نقد دین شناسی جامعه شناسانه مارکس
۳۲.....	۸-۱ بحث و نتیجه گیری
۳۴.....	منابع

۳۷.....	فصل دوم: روان‌شناسی دین و جایگاه دین در نظریات زیگموند فروید
۳۸.....	۱-۲ مقدمه
۴۱.....	۲-۲ روانکاوی
۴۳.....	۳-۲ تاریخ تحول
۴۴.....	۴-۲ فیزیولوژی روانشناختی
۴۵.....	۵-۲ نخستین خدمات علمی به روانشناسی دین
۴۶.....	۶-۲ زمینه‌های رشد نظریه فروید
۴۷.....	۱-۶-۲ تحول نظریات فروید در باب دین
۵۲.....	۲-۶-۲ نظریات فروید در باب منشا دین
۵۶.....	۳-۶-۲ نقدهای فروید بر دین
۵۷.....	۴-۶-۲ نقدها و ایرادهای وارد بر نظریات فروید
۶۰.....	۷-۲ جمع بندی
۶۰.....	۱-۷-۲ تحلیل نظریه فروید
۶۱.....	۲-۷-۲ نقد نظریه فروید
۶۳.....	۳-۷-۲ سخن آخر
۶۴.....	منابع

۶۷.....	فصل سوم: پدیدارشناسی دین
۶۷.....	۱-۳ اصطلاح "پدیدارشناسی دین"
۷۰.....	۲-۳ پدیدارشناسی دین
۷۰.....	۳-۳ چهره‌های شاخص پدیدارشناسی دین
۷۰.....	۱-۳-۳ ماکس شلر
۷۱.....	۲-۳-۳ دلبیو. برد کریستن سن
۷۲.....	۳-۳-۳ رودلف اتو

- ۷۳..... ۴-۳-۳ گرادو فان در لئو
- ۷۴..... ۵-۳-۳ ژو کو بلیکر
- ۷۵..... ۶-۳-۳ میرچا ایلپاده
- ۷۷..... ۷-۳-۳ نینیان اسمارت
- ۷۸..... ۴-۳ ویژگی‌های پدیدارشناسی دین
- ۷۸..... ۱-۴-۳ رویکرد نظام‌مند و مقایسه‌ای
- ۷۸..... ۲-۴-۳ رویکرد تجربی
- ۷۸..... ۳-۴-۳ رویکرد تاریخی
- ۷۸..... ۴-۴-۳ رویکرد توصیفی
- ۷۹..... ۵-۴-۳ ضدتحویل‌گرایی
- ۷۹..... ۶-۴-۳ استقلال
- ۷۹..... ۷-۴-۳ حیث التفاتی
- ۸۰..... ۸-۴-۳ اپوخه، همدلی، و درک همدلانه
- ۸۱..... ۹-۴-۳ آگاهی از معانی و ساختارهای بنیادی
- ۸۱..... ۵-۳ مسائل بحث برانگیز
- ۸۱..... ۱-۵-۳ مدعیات دستوری در برابر توصیفی
- ۸۲..... ۲-۵-۳ مدعیات مربوط به تبیین در برابر شناخت
- ۸۳..... ۳-۵-۳ مدعیات ضدتحویل‌گرایانه
- ۸۳..... ۴-۵-۳ مدعیات تاریخی و تجربی
- ۸۴..... ۵-۵-۳ پرسش‌های مربوط به اثبات (تاییدپذیری)
- ۸۵..... فصل چهارم: نظریه‌های تکاملی دین
- ۸۵..... ۱-۴ مقدمه
- ۸۸..... ۲-۴ دین

۳-۴	تیین‌های تکاملی	۸۹
۴-۴	دانش شناختی	۹۱
۵-۴	گزارش‌های داروینی	۹۲
۶-۴	گزارش‌های هم تکاملی	۹۳
فصل پنجم: نگاهی به رابطه دین و اخلاق		
۱-۵	مقدمه	۹۷
۲-۵	تعریف دین	۹۸
۱-۲-۵	تعریف برخی فلاسفه از دین	۹۹
۳-۵	تعریف اخلاق	۱۰۰
۴-۵	تقابل اخلاق دینی و اخلاق سکولار	۱۰۰
۱-۴-۵	تعریف اخلاق دینی و اخلاق دین زدایی شده	۱۰۱
۲-۴-۵	پیدایش اخلاق دینی زدایی شده	۱۰۱
۳-۴-۵	دیدگاه تباین	۱۰۲
۵-۵	نقد و بررسی	۱۰۵
۱-۵-۵	نادرستی مسیحیت یا دین (نقد نظریه نیچه)	۱۰۵
۲-۵-۵	قلمرو دین (نقد نظریه مارکس)	۱۰۵
۳-۵-۵	رابطه عقل و ایمان (نقد نظریه کرکگور)	۱۰۵
۴-۵-۵	دیدگاه اتحاد (نظریه امر الهی)	۱۰۶
۵-۵-۵	نظریه امر الهی (تاریخچه)	۱۰۷
۶-۵-۵	نظریه امر الهی در اسلام	۱۰۸
۷-۵-۵	بررسی ادله‌ی اشاعره	۱۰۹
۶-۵	پشتوانه بودن دین برای اخلاق	۱۱۱
۷-۵	نیازمندی اخلاق به دین	۱۱۳

- ۱۱۳ ۱-۷-۵ کمک‌های دین به اخلاق
- ۱۱۶ ۸-۵ پشتوانه بودن اخلاق برای دین
- ۱۱۶ ۱-۸-۵ نیازمندی دین به اخلاق
- ۱۱۷ ۹-۵ نظر فلاسفه
- ۱۱۷ ۱۰-۵ نتیجه
- ۱۱۹ منابع

مقدمه

دین‌شناسی، دین‌پژوهی یا مطالعات ادیان، عنوانی است که تقریباً از دهه ۶۰ میلادی به خصوص در آمریکا برای اشاره به یک رشته دانشگاهی مستقل در حوزه علوم انسانی (Humanities) بکار می‌رود. پیش از رواج این اصطلاح، عناوینی همچون ادیان همسنجشی یا تطبیقی (Comparative Religion) نیز بکار برده می‌شدند.

زادگاه این رشته، همانند سایر رشته‌های نوین علوم انسانی اروپاست. مکس مولر (Max Muller) آلمانی کسی بود که اولین کرسی استادی با عنوان ادیان تطبیقی در دانشگاه آکسفورد به افتخار وی افتتاح شد. عنوان اخیر در واقع معادل انگلیسی‌ای بود که در قبال اصطلاح آلمانی religionswissenschaft که معنای لغوی آن علم ادیان (The Science of Religions) است برابر نهاده شده بود. از مکس مولر کتابی با همین عنوان به زبان انگلیسی به جای مانده است که به عنوان نخستین متن کلاسیک این رشته از آن یاد می‌شود.

یکی از مهمترین نکاتی که درباره این رشته باید مد نظر داشت تفاوت جوهری آن با رشته‌ای همچون الهیات مسیحی (Theology) یا کلام اسلامی است. رویکرد رشته‌های اخیر به مطالعه پدیده‌های دینی، رویکردی مومنانه (confessional) یا درون دینی است. به این معنا که تفاسیر، تبیینها، نظریات و روشها همگی در خدمت هدفی واحد قرار می‌گیرند. این هدف عبارت است از حمایت از حقانیت دسته‌ای از گزاره‌های دینی که با قرائت متکلم یا الهی دان فرضی، یا مکتب کلامی یا الهیاتی خاص، سازگار هستند. در مقابل، دسته دیگری از گزاره‌ها که با قرائت فوق‌الذکر ناسازگار تلقی می‌شوند، با بکارگیری روشهای مختلف، رد می‌شوند. در مقابل، چنین گفته می‌شود که دین‌شناسی در تحلیل پدیده‌های دینی نسبت به حقانیت یا بطلان آنها بیطرف بوده و اصولاً با رویکردی غیرمومنانه (non-confessional) یا برون دینی به آنها می‌نگرد. لازم به ذکر است که رویکرد غیرمومنانه یا برون دینی منطقی‌تفاوت با رویکرد ضد دینی است که هدف

آن اثبات بطلان باورهای دینی است. به عبارت دیگر، در این رشته تلاش بر آن است که فارغ از تعصبات دینی و ایمانی و اساساً با رویکردی همدلانه به تحلیل پدیده‌های دینی در فرهنگهای مختلف دست زد. ابطال یا اثبات باورهای دینی و مبانی آنها خارج از حوزه بررسی این دانش قرار می‌گیرد هرچند ممکن است نتایج تحقیق درباره باور یا باورهایی خاص به طور غیرمستقیم منجر به ابطال برداشت مومنانه از آنها باشد.

محقق علم ادیان تلاش می‌کند که باورها، تعصبات و تمایلات دینی خود را به اصطلاح در پراگماتر قرار دهد (اپوخه) و تا حد امکان مانع از تاثیرگذاری آنها بر روند تحقیقش شود. به تعبیر ساده تر، هدف آن است که تحقیق تا حد امکان عینی (objective) باشد. در این زمینه باید توجه داشت که محققان این رشته، همانند سایر رشته‌های علوم انسانی، بر این واقعیت اعتراف دارند که هیچ کس نمی‌تواند به کل از بند منظر جهان شناختی خاص خود رها گردد و این پیش زمینه‌ها همواره، هرچند به طور غیرمستقیم، در تحقیق تاثیر گذار خواهند بود. به عبارت دیگر، عینیت خالص هرگز دست یافتنی نیست. در عین حال، تفاوت اساسی میان رویکرد درون دینی و برون دینی قابل انکار نیست. اولی، طبق تعریف، مجموعه‌ای از گزاره‌های خاص دینی را از آغاز تا پایان ملازم و راهنمای جریان تحقیق قرار می‌دهد و درصدد اثبات یا ابطال باورهای خاصی است در حالیکه دومی - در عین پذیرش اینکه تمام محققان التزامات دینی (یا ضد دینی) خاصی دارند - خواستار دور نگه داشتن آنها از جریان تحقیق تا حد امکان است. این تفاوت در هیچ جا بیشتر از کتابها و مقالاتی که ثمره این دو رویکرد متفاوت هستند قابل مشاهده نیست.

دین‌شناسی از جمله رشته‌هایی در حوزه علوم انسانی است که از نظر روش‌شناختی (متدولوژی) هویتی ترکیبی (hybrid) دارد. به عبارت دیگر، محقق علم ادیان از طیف وسیعی از روشهای متداول در حوزه علوم انسانی، کمی و کیفی، برای شناخت پدیده مورد بحث، یعنی دین در جلوه‌ها و نسخه‌های مختلف آن، استفاده می‌کند. این روشها می‌تواند شامل روشهای جامعه‌شناختی، روانشناختی، تاریخی-انتقادی، پدیدارشناختی، تحلیلی، ادبی-انتقادی، و غیره باشد. به همین دلیل، هویت این رشته به عنوان یک واحد منسجم و مجزا از سایر رشته‌های علوم انسانی نه براساس روش تحقیق بلکه براساس موضوع و غایت تحقیق شکل می‌گیرد. دین‌شناسی از این

جهت شباهت تامی به رشته مردم‌شناسی (Anthropology) دارد. از این دو رشته گاه به عنوان دو خواهر یاد می‌شود. شباهت تا آنجاست که امکان تفکیک نظری تحقیقات مردم‌شناسانه ای که با موضوع دین انجام می‌پذیرند از تحقیقات مشابه که توسط محققان دین‌شناسی صورت می‌گیرند وجود ندارد. این همپوشانی به خصوص با زیرشاخه‌ای از رشته مردم‌شناسی که در ایالات متحده با عنوان انسان‌شناسی فرهنگی (Cultural Anthropology) شناخته می‌شود بیشتر است. به همین دلیل، دانشجویان رشته دین‌شناسی در آمریکا به طور استاندارد با برخی از مهم‌ترین کتابهای مردم‌شناسی آشنایی دارند و ملزم به مطالعه و بحث و تحقیق در باب آنها می‌باشند.

این مطلب کاملاً بر خلاف رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی و روانشناسی است که یکپارچگی و وحدت آنها، علاوه بر موضوع و غایت، بر مبنای استفاده از روش تحقیقی واحد نیز تحقق می‌پذیرد. باید اضافه کرد که رویکردهای روش‌شناسانه در دین‌شناسی، و البته مردم‌شناسی فرهنگی، غالباً از نوع کیفی (Qualitative) و غیرتجربی هستند برخلاف جامعه‌شناسی و روانشناسی که در دنیای آکادمیک غربی به شدت به تحقیقات کمی (Quantitative) و تجربی (empirical) تمایل دارند. بر همین اساس، طبیعی است که دو رشته اخیر غالباً در دانشگاه‌ها جزو زیر گروه علوم اجتماعی (Social Sciences) تقسیم بندی می‌شوند به این معنا که ادعا می‌شود از نظر روشی اساساً با علم تجربی (science) مانند فیزیک و شیمی همانندی دارند. این در حالی است که در رشته‌هایی همچون تاریخ، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی فرهنگی، نه چنین ادعایی وجود دارد و نه ایده آل حرکت به سوی علم تجربی محرک محققان است.

دانش‌های دین پژوهی با رویکردهای مختلفی به دین می‌پردازند. برخی با رویکردهای فلسفی پوزیتیویستی، پراگماتیستی، تحلیلی یا رویکردهای کلامی و اخلاقی و دسته‌ای با رویکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به دین‌شناسی می‌پردازند. پاره‌ای از نویسندگان، دین پژوهی را به تحلیلی و غیر تحلیلی تقسیم کرده‌اند: دین پژوهی تحلیلی، هرگونه رویکرد عقلگرا به دین است رویکردی که در پژوهشهای دینی اصالت را از آن عقل می‌داند و خرد آدمی را خواه به صورت منبع و خواه به مثانه روش، اصلی‌ترین ابزار تحلیل و تعریف مفاهیم دینی و کشف، توجیه (اثبات) و تبیین گزاره‌های دینی به شمار می‌آورند. دین پژوهی تحلیلی به این معنا در مقابل

رویکردهای بدیلی همچون رویکرد نقلی (متکی بر متن دینی)، رویکرد ذوقی - عرفانی (متکی بر شهود)، رویکرد تجربی (متکی بر دانش‌های تجربی)، رویکرد پدیدارشناسانه (متکی بر اعمال روش‌های پدیدار شناختی در حوزه دین‌شناسی) و... قرار می‌گیرد، علاوه بر بکارگیری روش عقلی، فعالیت‌هایی چون تحلیل مفاهیم، جهت دستیابی به تعاریف دقیق و منطقی آن‌ها و نیز تحلیل جمله‌ها برای کشف ساختار منطقی و زبان شناختی آنها، وجه تسمیه تحلیلی را تأمین می‌کند. البته دین پژوهی تحلیلی یک معنای اخصی نیز دارد که عبارت از رویکرد فیلسوفان تحلیلی به دین است فیلسوفان تحلیلی، گستره وسیعی برای مسایل مورد تأملات فلسفی خویش قرار داده‌اند که بخشی از آن با دین و دعاوی آن مرتبط می‌شود. اعمال روش‌ها و به کارگیری مبانی و اصول فلسفه تحلیلی در این حوزه به طرح مسایل نو پیدا یا روایت‌های جدید از مسایل کهن انجامیده است.

از مهمترین رهیافت‌ها در دین پژوهی می‌توان به مردم‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، پدیدارشناسی و... اشاره کرد که در این مختصر برخی از این رویکردها شرح داده می‌شوند.

رهیافت مردم‌شناسی به دین، به عنوان یک حوزه یا رشته نظام‌مند، در فرهنگ غرب ریشه‌های عمیقی دارد. می‌توان سلسله‌ی نسب این امر را به روشنی تا آثار مورخان قوم‌شناس یونانی و اسلاف رومی آنان دنبال کرد. تکامل‌گرایی اجتماعی و زیستی قرن نوزدهم، در نظریه‌های مردم‌شناختی دین، نقش مهمی بازی کرده است. ای. بی تیلور (۱۸۳۲ - ۱۹۱۷ م) قوم‌شناس انگلیسی، یکی از نخستین محققانی بود که مفاهیم تکاملی را در دین پژوهی به کار برد. او مؤسس دین پژوهی مردم‌شناختی انگاشته می‌شود. وی بر مبنای آداب، رسوم و عقاید فرهنگ‌های بدوی، شواهدی بر مرحله‌ی اولیه‌ی دین یافت. به نظر او مرحله‌ی اولیه‌ی دین عبارت بوده است از اعتقاد به ارواحی که نه فقط در وجود انسان‌ها، بلکه در همه‌ی اورگانسیم‌های طبیعی و اشیا خانه دارند.

ر. مارت (۱۸۶۶ - ۱۹۴۳ م) و رابرتسون اسمیت (۱۸۴۶ - ۱۸۹۴ م) از مردم‌شناسان انگلیسی هستند که در این زمینه به تحقیق پرداختند.

روان‌شناسی دین آن گونه که امروزه یافت می‌شود، موجودیتش را به هم زمانی پیدایش ادیان تطبیقی در قرن نوزدهم اروپا با پیدایش دو رشته دیگر که در آغاز با دین بی ارتباط بود، مدیون

است. این دو رشته عبارتند از: روان‌شناسی اعماق (Depth Psychology) که در حوزه‌ی علوم پزشکی به عنوان نخستین جست و جوی منظم نظریه‌ای در زمینه‌ی ضمیر ناخودآگاه، برای درمان بیماری‌های روانی پدیدار شد؛ و دیگری فیزیولوژی روان شناختی (Psychophysiology) که از فیزیولوژی به عنوان کوششی برای جانشین سازی دستگاه و تکیه گاه فلسفی مربوط به نظریه‌ی ادراک، با سنجش و آزمایش گری عینی، انشعاب یافت. علی‌رغم دانش وسیع و رهیافت وسیع المشرب که در آثار نخستین پیش تازان روان‌شناسی دین مشهود بود، این نیاکان دوگانه، این رشته را به روی کرد متعارض مقید کردند که سرانجام، طیف رهیافت‌های امروزی در زمینه‌ی روان‌شناسی دین را تشکیل می‌دهد.

نخستین نقطه‌ی عطف در روان‌شناسی دین، در سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۲ م، با سخنرانی‌های گیفورد ویلیام جیمز (۱۸۴۲ - ۱۹۱۰ م) به بار آمد. این سلسله سخنرانی‌ها، در سال ۱۹۰۲ میلادی تحت عنوان تنوع تجربه‌ی دینی، (The varieties of religious experience) انتشار یافت. زیگموند فروید (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م) و شاگردان وی، از جمله آلفرد آدلر (۱۸۷۰ - ۱۹۳۷ م) و کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م) رهیافت‌های جدیدی در حوزه‌ی روان‌شناسی دین ارایه نمودند. سابقه‌ی ملاحظه‌ی اندیشه و رانۀ رابطه‌ی بین دین و جامعه، به یونانیان باستان باز می‌گردد. ولی اولین بار، ابن خلدون (۸۰۸ - ۷۳۲ هـ ق) از نقش دین در نهادهای اجتماعی و سیاسی، سخن راند. متفکران برجسته‌ی مسیحی، هم به نقش شکل دهنده‌ی دین بر جامعه و هم واکنش دین در برابر نیرو و نفوذ فزاینده‌ی دنیوی، توجه شایان کردند. فیلسوفان جدیدی که فاقد بینش و گرایش دینی بودند، این رابطه را از نظرگاه کاملاً دنیوی مطالعه می‌کردند. چنان که در اندیشه‌ی کنت و اسپنسر جلوه گر بود. جامعه‌شناسی دین، به عنوان جنبه‌ای از جامعه‌شناسی آگاهی و فرهنگی تلقی می‌شده است. این اندیشه‌ی کارل مارکس (۱۸۱۸ - ۱۸۸۳ م) آشکارا اعلام کرد که آگاهی انسان‌ها توسط روابط اجتماعی، اقتصادی تعیین می‌گردد. ظهور مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دین در عصر جدید، توسط پارسونز، داگلاس و توماس لوک مان، پیوند نزدیکی با ظهور سرمایه داری، تعدد فرهنگی، مدارای دینی و دولت و حکومت لیبرال دارد؛ بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد که این رشته، یک شیوه‌ی طبیعی ملاحظه‌ی دین و جامعه است. برعکس، این فراورده‌ی فرهنگی است که توسط تحولات

تاریخی اندیشه غربی که پژوهش گران را بر آن داشته، یا واداشته که از ادعاهای هنجار آفرین دین با جامعه مورد پژوهش خود، فاصله بگیرند، پدید آمده است؛ در نتیجه جامعه شناسی دین، محصول یکی از تعلقات اساسی آن است؛ یعنی دنیوی سازی یا عرفی سازی (غیر دینی سازی) اندیشه و نهادهای دینی؛ برعکس جامعه شناسی دین، رشته‌ی وابسته به آن، یعنی جامعه شناسی دینی، پیوندهای نزدیک تری با **الهیات** و دین مستقر، پیدا کرده است. تاریخ جامعه شناسی دین را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: ۱- اندیشه‌ی اجتماعی سنتی ۲- شکاکیت و نظریه پردازی ۳- واکنش محافظه کارانه و رمانتیک ۴- نظریه‌ی اجتماعی جدید. کارکردهای جامعه شناختی و نهادهای اجتماعی دینیکی از مهمترین مباحث جامعه‌شناسی دین به شمار می‌آید.

پدیدار شناسی دین (Phenomenology of religion) در طی قرن بیستم به عنوان رشته‌ی عمده‌ای از دین پژوهی و به عنوان رهیافت مؤثری به دین به کار رفته است. محققان از این اصطلاح، معانی گوناگونی را اراده کرده‌اند. برخی از پژوهش گران معاصر چون «گنووایدان گرن» و «آک هولت کرانتس» این واژه را در مطالعه‌ی تطبیقی و رده بندی انواع مختلف پدیده‌های مختلف دینی به کار برده‌اند و گروهی دیگر نظیر «کریستنسن»، «گواردوس»، «یواخیم واخ»، «میرچا الیاده»، پدیدارشناسی دین را یک رشته یا حوزه یا شیوه‌ی خاص در دین پژوهی می‌دانند و پدیدارشناسی دینی عده‌ای از محققان، کاملاً از پدیدارشناسی فلسفی شان متأثر بوده است. اصطلاح پدیدارشناسی نیز معانی گوناگون دارد. دانشمندان، معمولاً از اصطلاح پدیدارشناسی، تأکید بر برداشت توصیفی (در مقابل تبیین) رشته‌ی علمی شان را اراده کرده‌اند. کاربرد دوم پدیدارشناسی، در مطالعه‌ی توصیفی، سیمانتیک و مطالعه‌ی تطبیقی ادیان دیده می‌شود. پدیدارشناسی در فلسفه «یوهان هایزیش لمبرت» و «امانوئل کانت» و آثار «هگل» به معانی فلسفی و معرفت شناسی نیز به کار رفته است.

الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

هژیر مه‌ری

تهران ۱۵ دی ماه ۱۳۹۴

ISBN: 978-600-8307-70-9

